

علم أصول الفقه

١٤

٢٠-٧-٨٨ الاستصحاب في حالات توارد
الحالتين

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

امام جعفر صادق (ع)

- درباره تاریخ ولادت و وفات و عمر حضرت صادق (ع) شاید اصح و اتقن روایات گفته شیخ مفید در ارشاد باشد: تولد آن حضرت در مدینه در سال ۸۳ و وفات ایشان در شوال سال ۱۴۸ هجری و مدفن ایشان در بقیع در کنار پدر و جد بزرگوار و عم بزرگش امام حسن (ع) می باشد. مادر آن حضرت ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر بود

- امام صادق (ع) حدود ۱۲ سال در کنار جدش امام زین العابدین (ع) و ۱۹ سال بعد از رحلت آن حضرت با پدرش امام محمد باقر (ع) به سر برد و بعد از پدر بزرگوارش مدت ۳۴ سال امامت مسلمانان را عهده دار بود. آن حضرت ده فرزند داشت به ترتیب ذیل: (۱) اسماعیل، (۲) عبد الله، (۳) ام فروه که مادر ایشان فاطمه دختر حسین بن علی بن حسین علیهما السلام بود، (۴) امام موسی کاظم (ع)، (۵) اسحاق، (۶) محمد، (۷) عباس، (۸) علی، (۹) اسماء، (۱۰) فاطمه، که از مادران مختلف بودند.

امام جعفر صادق (ع)

- دوران امامت حضرت صادق (ع) یکی از ادوار پر آشوب تاریخ اسلام است. این دوره که از سال ۱۱۴ هجری تا سال ۱۴۸ (سال وفات آن حضرت) طول کشیده است شاهد ظهور و قتل زید بن علی بن الحسین (۱۲۲ ه.ق.) انتقال خلافت از بنی امیه به بنی عباس (۱۳۲ ه.ق.) کشته شدن ابو مسلم خراسانی (۱۳۷ ه.ق.) کشته شدن عبد الله بن حسن بن حسن در زندان منصور و کشته شدن فرزندان او محمد بن عبد الله ملقب به نفس زکیه و ابراهیم بن عبد الله معروف به قتیل باخمیری (۱۴۵ ه.ق.) و بنای شهر بغداد (سال ۱۴۵ و ۱۴۶ ه.ق.) است.

امام جعفر صادق (ع)

- آن حضرت در این حوادث مهم سیاسی مورد توجه و نظر عده زیادی از مسلمانان بود و حتی بسیاری از مردم او را برای خلافت مناسبتر و شایسته‌تر از سفاح و منصور می‌دانستند، اما او بینش سیاسی و دورنگری عمیقی از خود نشان داد و چون می‌دانست که جریان حوادث در مسیری دیگر و بر خلاف مقاصد واقعی اسلام و اهل سنت است خود را از فتنه‌ها و آشوبهای زمانه دور نگاه داشت و با این وسیله مشعل فروزان امامت و علم را که بسیار مورد نیاز اهل آن عصر بود از خاموشی در امان داشت.

امام جعفر صادق (ع)

- در اواخر خلافت بنی امیه، داعیان بنی عباس در خراسان به شدت بر ضد بنی امیه تبلیغ می‌کردند و سران سپاه را مخصوصاً در خراسان به بیعت بنی عباس فرا می‌خواندند و این امر در زیر پوشش دعوت به «رضی من آل محمد» صورت می‌گرفت یعنی دعوت به کسی که مورد رضایت مردم باشد و از «آل محمد» باشد. بعضی از علویان فریفته ظاهر «رضی من آل محمد» شده بودند و می‌پنداشتند در صورت سقوط بنی امیه مردم به ایشان روی خواهند آورد. سر دسته این علویان عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع) و دو پسرش محمد بن عبد الله و ابراهیم بن عبد الله بودند. چون اخباری درباره ظهور «مهدی» از آل محمد شایع بود و همچنین شایع بود که نام او و نام پدرش با نام حضرت رسول (ص) و پدر ایشان یکی است، آرزوی علویان حسنی در اینکه «محمد بن عبد الله» همان مهدی موعود باشد و خلافت را قبضه کند خیلی زیاد بود.

امام جعفر صادق (ع)

- اما جریان حوادث به نوعی دیگر بود و داعیان به سقوط خلافت بنی امیه مردم را در نهان به بنی عباس دعوت می‌کردند و احفاد عبد الله بن عباس خود را برای تصدی مقام خلافت آماده می‌کردند و بزرگان آنها در زمان حضرت صادق (ع) ابراهیم امام پسر محمد بن علی بن عبد الله بن عباس و برادرانش ابو العباس سفاح و ابو جعفر منصور بودند.

امام جعفر صادق (ع)

• بنا به خبری که در مقاتل الطالبیین آمده است روزی در سالهای آخر خلافت بنی امیه عده‌ای از بزرگان بنی هاشم از بنی عباس و علویان در «ابواء» (موضعی میان مکه و مدینه) جمع شده بودند که از آن جمله ابراهیم بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس و برادرانش ابو جعفر منصور و ابو العباس سفاح از بنی عباس و عبد الله بن حسن و پسرانش محمد بن عبد الله و ابراهیم بن عبد الله از علویان بودند. در آن مجلس یکی از افراد به نام صالح بن علی پیشنهاد کرد که همگی به یک تن بیعت کنند و او را خلیفه آینده بدانند. عبد الله بن حسن فوراً گفت که می‌دانید که این پسر من همان «مهدی» است و بیاید تا با او بیعت کنیم. ابو جعفر منصور گفت چنین است و همه با محمد بن عبد الله بیعت کردند. پس از آن به دنبال امام صادق (ع) فرستادند و چون حضرت به آن مجلس آمد و از حقیقت امر آگاه شد فرمود چنین مکنید که زمان این کار (یعنی ظهور مهدی) نرسیده است و روی به عبد الله بن حسن کرده فرمود: اگر می‌پنداری که این پسر تو همان مهدی است چنین نیست و هنوز وقت آن فرا نرسیده است و اگر می‌خواهید در راه خدا قیام کنید ما به جای تو با پسر تو بیعت نمی‌کنیم و پس از مشاجره لفظی کوتاه با عبد الله بن حسن فرمود: این خلافت از آن تو و فرزندان تو نخواهد بود بلکه از آن اینها خواهد بود و دست به پشت ابو العباس سفاح زد. پس از آن به راه افتاد و در حالی که به دست عبد الله بن عبد العزیز زهری تکیه داده بود خطاب به او فرمود: آیا صاحب «ردای زرد» را دیدی؟ گفت: آری، فرمود خلافت از آن او خواهد بود (مقصود ابو جعفر منصور است).

امام جعفر صادق (ع)

- در این مجلس که در سالهای آخر خلافت بنی امیه بوده است و سران بنی عباس در آن حضور داشته‌اند مطلب بر سران مذکور پوشیده نبوده است و ایشان که در همان وقت داعیان و مبلغانشان همه جا پراکنده بودند از حقیقت قضایا آگاهی داشتند اما چون زیر پوشش دعوت به «رضی من آل محمد» عمل می‌کردند می‌خواستند از مقاصد علویان حسنی که مردم ساده اندیشی بودند آگاه شوند و در وقت مناسب ضربه خود را فرود آورند و مخصوصا ابو جعفر منصور که مردی بسیار سائس و حيله‌گر بود تظاهر به بیعت با محمد بن عبد الله بن حسن کرد تا کاملا به نیت او پی ببرد.

امام جعفر صادق (ع)

- اما حضرت صادق (ع) از پشت پرده خبر داشت و به همین جهت در دامی که منصور برای او گسترده بود نیفتاد. بنا بر روایت مفصلی که در کافی آمده است عبد الله بن حسن هنگام خلافت منصور از حضرت صادق (ع) دعوت کرد که در قیام بر ضد منصور به او و پسرانش پیوند و آن حضرت به شدت از این امر ابا کرد و او را نیز از این کار نهی فرمود و فرمود که این پسر تو (یعنی محمد) بر جایی جز دیوارهای مدینه مالک نخواهد بود و اگر بکوشد حکمش به طائف نخواهد رسید.

امام جعفر صادق (ع)

• بنا به این روایت محمد بن عبد الله پس از آنکه خروج کرد از حضرت صادق (ع) خواست تا با او بیعت کند و حضرت امتناع کرد و او دستور داد تا آن حضرت را به زندان انداختند. اما روایاتی دیگر هم هست که حضرت از گرفتاری عبد الله بن حسن و احفاد امام حسن (ع) سخت ملول و دل‌تنگ بود و نامه‌ای از آن حضرت به عبد الله بن حسن نقل شده است که آن حضرت در هنگام گرفتاری و بردن ایشان از مدینه به کوفه نوشته است و عنوان نامه «إلى الخلف الصالح و الذرية الطيبة من ولد أخيه و ابن عمه» است. در این نامه آن حضرت عبد الله بن حسن و دیگر بنی اعمام خود را از گرفتاریها و مصائبی که برایشان پیش آمده بود تسلیت داده است و از لحاظ مضمون و محتوا بسیار عالی است. (بحار الانوار، ۴۷/۲۹۹ به بعد)

• روایات دیگری هم هست که به قول مجلسی دلالت دارد بر اینکه اولاد حسن در آن هنگام به حق امام صادق (ع) عارف بوده‌اند.

امام جعفر صادق (ع)

- در اینجا باید گفت که اگر چه آن حضرت از بیعت با محمد بن عبد الله ابا کرد اما از قتل اولاد امام حسن (ع) به دست منصور هم ابا راضی نبود و بلکه ملول و محزون بود و اگر ایشان را از قیام بر ضد منصور نهی می فرمود نه به جهت طرفداری از منصور بود که این معنی به دلایل قاطع به هیچ وجه درست نیست بلکه به جهت آن بود که می دانست در این مبارزه نابرابر اولاد امام حسن (ع) شکست خواهند خورد و کشته خواهند شد و هرگز نمی خواست که چنین حوادثی اتفاق افتد و بر حسب وظیفه شرعی، ایشان را از وقوع در مهلکه باز می داشت، اما نفس قیام بر ضد منصور و خلفای بنی عباس و عمال ایشان در نزد امام امری درست بود زیرا قیام بر ضد ظلم و سیاهکاری بود.

امام جعفر صادق (ع)

- منصور پس از غلبه بر محمد بن عبد الله و ابراهیم بن عبد الله، امام صادق (ع) را از مدینه به عراق فرا خواند. روایات متعددی در باب رفتن حضرت صادق به نزد منصور در دست است و مجلسی آنها را در بحار الانوار در شرح احوال امام صادق (ع) در باب «ما جرى بينه عليه السلام و بين المنصور و ولاته و سائر الخلفاء و الناصبين...» آورده است.

٩ - الاستصحاب في حالات توارد الحالتين

- و أخرى يشك في حكم و عدمه نتيجة انَّ الحالة السابقة متعددة بأن يعلم بثبوته في فترة سابقة كما يعلم بعدمه أو ثبوت خلافه سابقاً أيضاً و لكن لا يعلم بالوارد و المورود من الحالتين فيشك تبعاً لذلك في الحكم إثباتاً و نفيًا، و هذا ما يسمّى بتوارد الحالتين كما إذا علم بأنه توضاً كما يعلم بأنه قد أحدث و لكنه لا يدري المتقدم منهما و المتأخر فيشك في كونه متطهراً الآن أو محدثاً،

٩ - الاستصحاب في حالات توارد الحالتين

- فهل يجري هنا استصحاب كل من الحالتين و يتعارضان أو لا يجري في شيء منهما أو يجري في معلوم التاريخ منهما دون مجهوله، وجوه:

٩ - الاستصحاب في حالات توارد الحالتين

- لا ينبغي الإشكال في جريان استصحاب الحالة المعلوم تاريخها في نفسه كما إذا علمنا بالطهارة عند الفجر و علمنا إجمالاً بالحدث أمّا قبل الفجر أو بعده، فإنّ هذا لا يمنع عن جريان استصحاب الطهارة لعدم ورود شيء من الاعتراضات و المناقشات المتصورة فيه عدا توهم أنّ العلم الإجمالي يتعلق بالواقع و على تقدير كون معلومه بعد الفجر تكون الطهارة منتقضة باليقين، إلاّ أنّ هذا التوهم باطل مبنى و بناءً على ما تقدم.

٩ - الاستصحاب في حالات توارد الحالتين

- و اما الاستصحاب في الحالة المجهول تاريخها سواء كان الآخر مجهول التاريخ أم معلومه، فالصحيح أيضاً جريان الاستصحاب فيه من دون محذور،